

آیوی سکا



آیوی سکا

عنتو

عنتو بینہار  
ہمبنتہ مخفے

نمبمونہ

مترجم

Ryoga

ادیتور

Nascosto & Ayame

آپلودر

yasaman

پوفف

واسه چی  
میخندی؟

همینطوری  
بی دلیل.

دارم به  
این فکر میکنم  
که،

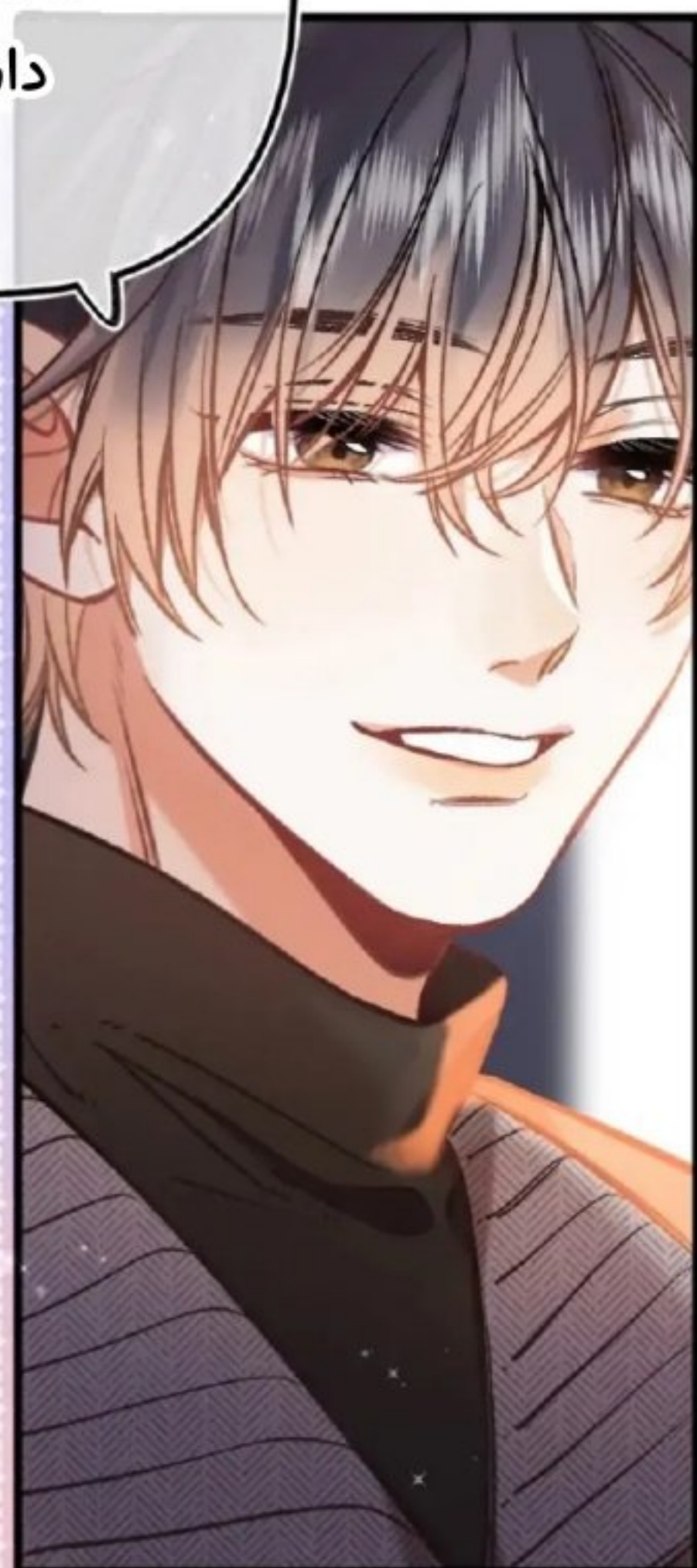
داداشت  
چیان فی خیلی  
باهوشه

ها؟؟

؟؟؟؟



چطور یاست  
که دوشش  
داری؟



واسه چی باید  
به این سین جیم  
کردنای مزخرفت  
جواب بدم، ها؟

من  
هیچی نمیام!

همم  
چرا هیچی  
نمیگی؟

من دیگه  
نیستم.

داری  
زیاد حرف  
میزنی

همم؟

من زیاد  
حرف میزنم؟  
از چه نظر؟

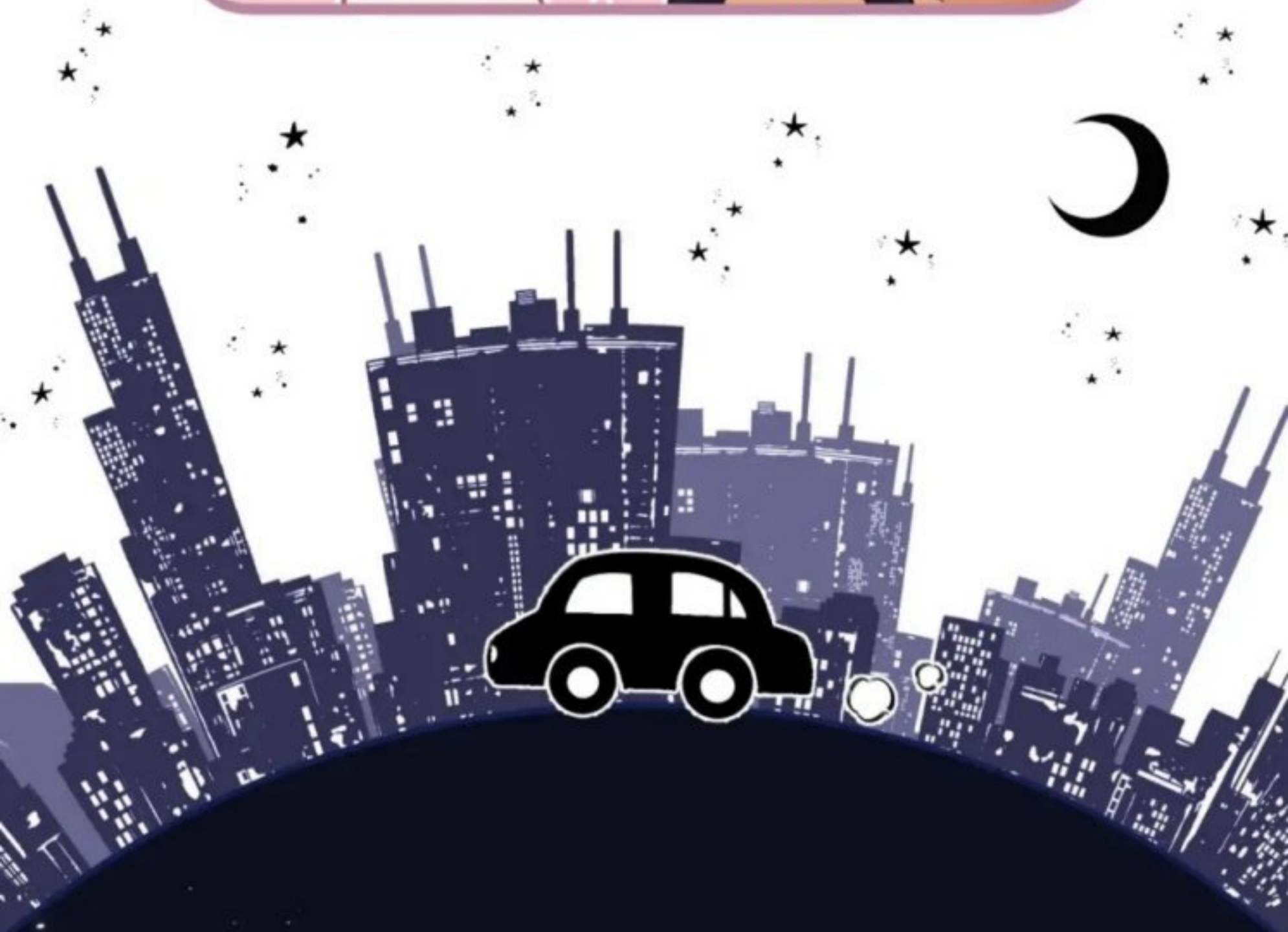
میشه،

دست از  
این سوال پرسیدنا  
برداری؟

چرا؟

پایان

...



# 偷偷藏不住

Hidden Love





Clatter




دیر  
کردی داداش  
دوان،

ما غذارو  
شروع کردیم،

رفته  
بودم دنبال  
یه نفر

دوست دخترت؟






یه دوست.

یه  
دوست؟

نه  
"خواهر کوچولوم؟"

AS



یه نگاه به منو  
بنداز، من برات چاشنی  
آماده می‌کنم.



خیلی خب

توضیح: توی رستورانای هات پات چین یه باهایی هست که همه جور موادی مثل روغن کنجد سس سویا و پیلی داره و افراد میتونن با توجه به سلیقه فودشون سس درست کنن و اونو با غذاشون میل کنن.



تو سانگ ژی هستی درسته؟

آره، سلام.



اسم من جیانگ سیونگه میتونی خواهر جیانگ صدام کنی.

من همونیم که با دوان جیاشو اومدیم فرودگاه دنبالت، یادته؟

یادمه، از بابت کمکت ممنونم.

چیزی نیست بابا کاری نکردم.

خیلی کار  
درستی نبود که  
برم.

اما اونموقع  
جیاشو یکم تب  
داشت



من و  
شوهرم یکم نگران  
شدیم ،


برای همین باهاش  
از ماشین پیاده شدم تا  
کمکش کنم پیدات  
کنیم.



بعد که پیدات  
کردیم جیاشو نگران  
بود که کنار یه عجیبه  
راحت نباشی واسه  
همین من زود رفتم.

حتی قبل از رفتن  
فرصت خداحافظی هم  
نشد ، ببخشید.





به هر حال این  
من بودم که شمارو تو  
زحمت انداختم...

چطور داره به  
نظر میاد که اون داره به  
خودش توضیح میده؟

AS

یعنی فهمیده  
که من اونو دوست  
دارم؟



به هر حال  
نمی‌شه کاریش کرد،  
درسته؟



نظرت چیه بعد  
از اینجا بریم به جای  
دیگه؟

بریم کارائوکه؟

اوه... این  
چرا جای اولونگه؟

من شیر چای  
سفارشت داده  
بودم

اینگونه

چی شده؟



فک  
نمیکنم این...



چای اولونگیه  
که من سفارش داده  
بودم.



این شیر چایه.

اما من  
چای اولونگ  
سفارش داده  
بودم...

پوستت  
داره قرمز  
میشه!



دادانت  
جیانتو،

حس میکنم  
گلوهم یکه متورمه  
ننده.

یا بریم  
بیمارستان.





دارو هاتو  
گرفتم.


حواست باشه

وقتی برگشتی خونه حتما  
مصرفشون کنی.

خوب شد فقط  
یه ذره از اون شیرچای  
خوردی.

داداش جیاشو،

چی؟



اون شیرچای  
واقعا خوب بود.


...

نگو که  
میخوای بیشتر  
بخوری...

نه فقط چیزی  
که فکر میکردم گفتم  
تاحالا امتحان نکرده  
بودم



آخرین باری که شیر  
خوردم کل شبو حالت تهوع  
داشتم دیگه جرات ندارم  
اینکارو بکنم.



قبلا واست  
شیر نگرفتم؟



بله خب...

تو هم  
خور دینت؟

نه

دادمنت  
یکی دیگه  
بخوره.

چرا بهم  
نگفتی که نمیتونی  
بخوری؟

...

خب مشکل این  
نیست که من واقعا  
اونو خوردم...





دفعه بعد  
که میری بیرون  
حواست باشه



قبل از اینکه  
چیزی بخوری یه نگاه  
بهش بنداز باشه؟



خب باشه.

نخارونش.

خب  
خارش داره  
...



تعمد کن .







داداش  
جیاشو.



همم؟

سر صبحی،

چرا به  
همکارات گفתי  
من دوستمم؟

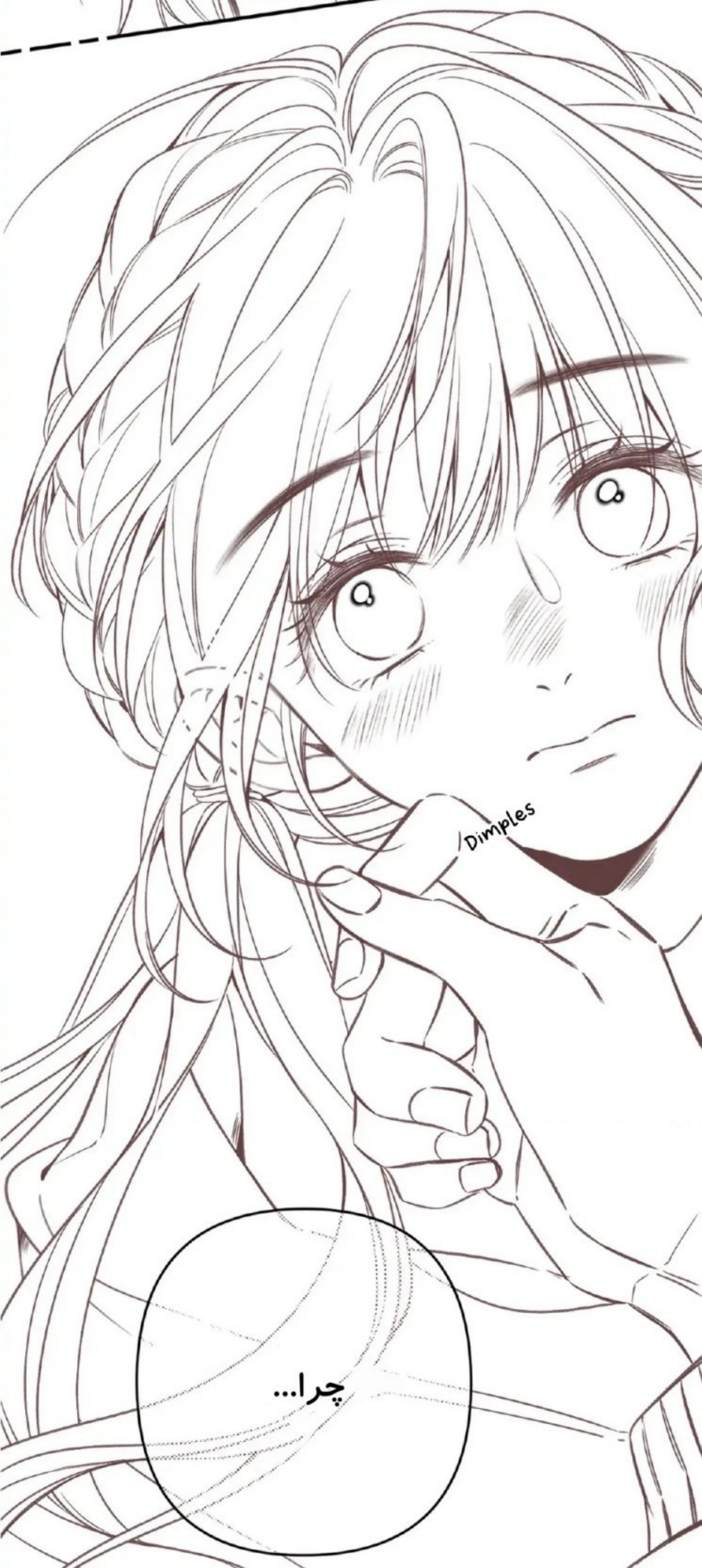
معمولا نمیگی  
که...

من خواهر  
کوچولوتم؟





ادامه دارد...



Dimples

چرا...



صورتت  
انقدر سرخ  
شده؟





## INTERACTION TIME

Why doesn't Duan Jiayu call Sang Zhi his little sister anymore?

A: In his heart, she is no longer just a little sister

B: He wasn't thinking that deep into it

C: She'll be his 'girl'friend in the end anyway



سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،  
توسط تیم بزرگ تلگرامی

## آئویی سکای

ترجمه و ادیت شده و برای شما  
و بقیه افرادی که به مانهوا  
خوندن علاقه دارن آماده  
شده.

تیم آئویی سکای فقط و  
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،  
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و  
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،  
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده  
و این کار دزدی محسوب میشود و به  
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.  
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی  
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)